روزنامه شرق

دوشنبه ۱۶ خرداد ۱۳۹۰ • ۳رجب ۱۴۳۲ • ۶ ژوئن ۲۰۱۱ • سال هشتم • شماره پیاپی ۱۲۶۳ • شماره ۳۳۹ دوره جدید • ۲۰صفحه

روزنامه شرق

روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران

صاحب امتیاز و مدیر مسوول: مهدی رحمانیان

نشانی: میدان آرژانتین، خیابان زاگرس، پلاک ۹، ساختمان شرق، طبقه همکف

تلفن: ۲-۸۸۶۵۴۳۹۱ نمابر: ۸۸۸۸۰۷۱۹ تلفن آگهی‌ها: ۸۸۶۵۸۵۷۵

توزیع: شرکت پیام‌رسان پیروز تلفن: ۵-۶۶۱۸۲۱۳۰

چاپ: روزتاب/ جاده مخصوص کرج، نخ زرین شماره ۴ تلفن: ۴۴۵۴۵۰۷۷

www.sharghnewspaper.ir

تهران: اذان ظهر ۱۳:۰۳ اذان مغرب ۲۰:۳۸ اذان صبح فردا ۴:۰۳ طلوع آفتاب ۵:۴۸

کوهن برنده معتبرترین جایزه ادبی اسپانیا شد

شرق: لئونارد کوهن به دلیل مجموعه آثارش که «بر سه نسل در سراسر جهان» تاثیر گذاشته است، برنده جایزه پرنس آستوریاس یکی از معتبرترین جوایز ادبی اسپانیا شد. این جوایز در ماه اکتبر امسال، در اویدو، در شمال اسپانیا در مراسمی اهدا خواهد شد. هیات داوران جایزه بنیاد پرنس آستوریاس اعلام کرده است که اشعار و آوازهای کوهن سوالات عمده‌ای را که دغدغه بشریت است، به صورتی عمیق و به زیبایی می‌کاوند. وودی آلن، جی‌کی رولینگ و دنیل بران‌بویم، پیانیست و رهبر ارکستر مشهور، از برندگان پیشین این جایزه بوده‌اند.

سپهر

همسایه عباس آقا

شهاب‌الدین طباطبایی

■ نزدیک غروب یک روز تابستان، آقا نادر هوس کرد حیاط خلوت کوچک و کثیف خانه‌شان را سر و سامانی بدهد تا شب‌ها با عیال و بچه‌ها بنشینند و صفایی بکنند. فکر کرد برود سراغ همسایه بغل‌دستی‌شان عباس‌آقا و شلنگ رنگ و رو رفته‌ای را که همیشه عباس‌آقا اینها، باغچه کوچک‌شان را با آن آب می‌دادند بگیرد. از در که بیرون آمد و خواست دست‌اش را روی زنگ فشار بدهد، یک لحظه رفت توی فکر. عباس‌آقا آدم بدی نیست، اما اگر بخواهد حال‌ام را بگیرد چه. اگر جلوی زن و بچه‌اش ضایع‌ام کند و شلنگ را ندهد و بگوید مهناز خانم می‌خواهد به باغچه آب بدهد چه، باغچه، یک باغچه‌ای می‌گوید که اگر آدم ندیده باشد، فکر می‌کند منظورش باغ‌های شمیران است. نه، همچین آدمی نیست این عباس‌آقا. شلنگ را می‌دهد و حرفی هم نمی‌زند. دست‌اش را به طرف شاسی زنگ برد، دوباره تردید کرد. اگر بخواهد شلنگ را بدهد و بعد پشت سرم حرف بزند چه! بگوید اینها یک شلنگ هم توی خانه‌شان ندارند و چند سال است هر وقت شلنگ می‌خواهند می‌آیند در خانه ما را می‌زنند. حیف‌شان می‌آید شلنگ بخرند. نه عباس‌آقا چنین حرفی نمی‌زند. خودش را مرتب کرد و یک خنده ساختگی روی لبش نشاند و دوباره دست را برد به سمت زنگ. اگر بخواهد قیافه بگیرد و شلنگ را با منت و اخم بدهد چه. از آن نگاه‌هایی که از گوشه چشم به نشانه تحقیر می‌کنند حواله‌ام بدهد چه کار کنم. از عباس‌آقا این کارها بعیده. اینقدر فهمیده هست که به خاطر یک شلنگ پوسیده قیافه نگیرد. با اطمینان و آرامش محکم‌تر از قبل دست‌اش را برد جلو که زنگ را بزند. اگر بپرسد که اصلا شلنگ می‌خواهی چه کنی و بخواهد با سوال و جواب به رویم بیاورد که شلنگ را نمی‌دهد چه. اصلا چند باری احساس کرده‌ام که بدش نمی‌آید از موضع بالا برخورد کند و دار و ندار و زندگی‌اش را به رخ‌ام بکشد. به خاطر یک شلنگ دومتری زپرتی از این عباس‌آقا حرف درشت شنیدن هم زور دارد. همینجور داشت با خودش کلنجار می‌رفت و بلند بلند فکر می‌کرد و حرف می‌زد که در باز شد و عباس‌آقا زد بیرون. آقا نادر نگاهی به عباس‌آقا انداخت و دیگر معطل‌اش نکرد، مردتیکه بی‌همه چیز، حالا برای یک شلنگ پوسیده رنگ و رو رفته آبروی آدم رو جلوی در و همسایه می‌بری؟ این همه افاده و غرور برای دومتر شلنگ پلاستیکی؟ همسایه هم همسایه‌های قدیم. حالا نیم متر باغچه بی‌آب و علف‌تون رو باید تو سر ما بزنی؟ یک کلام بگو نمی‌خوام شلنگ رو بدم، دیگه این قرطاس بازی‌ها رو نداره که. عجیبه والله. حالا دیگه باید همه جا بشینی بگی اینها یه شلنگ توی خونه‌شون ندارن؟! فکر کن به کاری که می‌کنی، حالا خوبه یک مشت بزنم توی دهنت که دیگه یادت بمونه پشت سر ما اون هم به خاطر یک شلنگ بی‌ارزش ور نزنی؟ مرد باش عباس‌آقا. خیلی نامردی! تف به مرام و معرفتت بیاد که نداری. تف به... . عباس‌آقا مات و مبهوت همانجا توی چارچوب در نگاه‌اش افتاده بود به تف بزرگ پهن شده روی آسفالت پیاده‌رو. همسایه عباس‌آقا همچنان ادامه می‌داد.

پنجره

ترس پولانسکی از سفر به لهستان

■ **خبرآنلاین:** کارگردان برنده اسکار که قرار بود جایزه یک عمر دستاورد سی و ششمین جشنواره فیلم لهستان در گدینیا را دریافت کند، از سفر به این کشور منصرف شد. رومن پولانسکی همچنین قرار بود در این دوره جشنواره یک کلاس پیشرفته برگزار کند، اما برگزارکنندگان این رویداد هنری اعلام کردند او برنامه خود را عوض کرده است. در وب‌سایت جشنواره فیلم لهستان در گدینیا در مورد لغو سفر پولانسکی توضیحی داده نشده، اما تحلیل‌گران لهستانی بر این اعتقاد هستند که کارگردان ۷۶ ساله نگران بود اعتراض‌ها به سفر او به لهستان باعث شود اتفاقی نظیر آنچه دو سال پیش در جشنواره فیلم زوریخ برایش روی داد، بیفتد. پولانسکی سپتامبر ۲۰۰۹ زمانی که برای دریافت جایزه یک عمر دستاورد از جشنواره زوریخ به سوییس سفر کرده بود، با حکم مقام‌های قضایی آمریکا بازداشت شد. آمریکا از سوییس خواسته بود او را تحویل دهد تا به اتهام ارتباط غیرقانونی با دختری ۱۳ ساله در سال ۱۹۷۸ محاکمه شود. پولانسکی پس از حدود دو ماه با سپردن وثیقه ۴/۵ میلیون دلاری از زندان آزاد شد و چند ماه هم در کلبه خود در تفریحگاه کوهستانی گشتاد در حبس خانگی بود. در نهایت این کارگردان فرانسوی/لهستانی ژوییه ۲۰۱۰ به دنبال مخالفت دولت سوییس با استرداد او به ایالات متحده آزاد شد.

برداشت آخر

در پی درخواست معاون فرهنگی - اجتماعی شهرداری تهران

«جوزانی» عمارت فیشرآباد را ترک کرد

حمید جعفری

زمزمه‌های استعفای «مجید جوزانی» از عنوان مدیرعامل خانه هنرمندان ایران به عنوان مهم‌ترین نهاد صنفی هنر در ایران هفته گذشته چنان بر سر زبان‌ها افتاد که بعد از چند روز از انتشار این خبر گمانه‌هایی مبنی بر عزل و حتی استعفای اجباری «جوزانی» در میانه است. «ایازی» معاون فرهنگی - اجتماعی شهرداری تهران با نوید شغلی دیگر برای «جوزانی» خواستار ترک «جوزانی» از عمارت فیشرآباد شد. گو اینکه اتفاقی که برای «بهروز غریب‌پور» به عنوان اولین مدیرعامل خانه هنرمندان ایران از ابتدای تاسیس این مرکز فرهنگی در سال ۷۷ تا سال ۸۶ افتاد برای «جوزانی» نیز در حال تکرار است. در روزهای پایانی مدیریت «غریب‌پور» در خانه هنرمندان ایران تحت تاثیر فشارهای بیرونی و اعتراض نسبت به تشکیل جلسات «شب‌های بخارا» و هجوم به خانه هنرمندان ایران «غریب‌پور» مجبور به استعفا شد. حالا به گفته «غلامحسین نامی» یکی از اعضای شورای‌عالی خانه هنرمندان ایران نه تنها استعفای جوزانی تایید که گویا قرار است مدیرعامل سابق خانه هنرمندان ایران با عنوانی دیگر در شهرداری مشغول به کار شود. «نامی» به «شرق» گفت: «آقای جوزانی با توجه به سوابق مدیریتی که دارند کارمند شهرداری به شمار می‌روند و با توجه به حمایت‌های شهرداری تهران از این مرکز فرهنگی، گویا این نهاد برای آقای جوزانی پست مدیریتی دیگری در نظر گرفته است و ایشان به همین دلیل استعفا داده‌اند.» این در حالی است که طبق روند بروکراسی اداری معمولا اگر مدیری از سمتی به سمت دیگر منتقل شود نه با استعفای وی بلکه نهاد متولی با نامه‌نگاری‌ها این روند را پیش خواهد برد. «نامی» در این‌باره می‌گوید: «آقای ایازی معاون فرهنگی - اجتماعی شهرداری تهران با حضور در شورای‌عالی خانه هنرمندان با خوشحالی عنوان کردند که عنوان دیگری در شهرداری برای «جوزانی» در نظر گرفته شده و به جای اینکه نامه‌ای درباره این مسایل ارایه کنند حضورا در شورا این مساله را مطرح کردند. این در حالی است که طی نامه‌ای به شهردار تهران تقاضا کردیم که آقای «جوزانی» تا پایان مدت ماموریت خود (پایان شهریور ماه) به عنوان مدیرعامل خانه هنرمندان ایران باقی بمانند تا گزینه مناسبی برای تصدی این عنوان توسط شورای‌عالی خانه هنرمندان انتخاب شود که امیدواریم مورد موافقت شهردار تهران نیز قرار بگیرد.» «کیومرث پوراحمد» نیز در یادداشتی درباره استعفای «جوزانی» که توسط وب‌سایت «خبرآنلاین» منتشر شده، آورده است یک جابه‌جایی سیاسی در حال رخ دادن است. «پوراحمد» زمزمه استعفای «جوزانی» را این‌گونه تعبیر کرده است: «من نمی‌دانم و نمی‌خواهم بدانم در پس این جابه‌جایی چه سیاستی هست. آیا سیاست بر این است که فضای باز و دلپذیر خانه هنرمندان تدریجا به یک تعطیلی نامحسوس کشانده شود؟ همان بلایی که بر سر کانون پرورش فکری آمد؟ یا برعکس، قرار است همان اتفاقی بیفتد که از بهروز غریب‌پور تا مجید جوزانی افتاد؟ دلم می‌خواهد خوش‌بین باشم، اگرچه بسیار دشوار است.» از گوشه و کنار شنیده می‌شود حواشی برگزاری نمایشگاه عکس «هدیه تهرانی» با عنوان «آبانگان» و برپایی نمایشگاه سازهای ابداعی استاد «شجریان» در خانه هنرمندان ایران دلایل این استعفای پر حرف و حدیث است. نمایندگان هیات موسس این مرکز فرهنگی اعم از غلامحسین امیرخانی، (رییس شورا) عزت‌الله انتظامی (نایب‌رییس)، مجید جوزانی (مدیرعامل)، ابراهیم حقیقی، رضا میرکریمی، طاهر شیخ‌الحکمایی، کامران شاهین‌فر، ایرج راد، محمدرضا عبدالملکیان، حمیدرضا نوربخش، معصومه مظفری، محمد سریر، غلامحسین نامی، نصرالله ناصح‌پور، غلامرضا خیاطان، مصطفی اسداللهی و حمیدالله رضایی‌برورتی به عنوان اعضای شورای‌عالی خانه هنرمندان ایران فعالیت‌های خانه هنرمندان ایران را از نزدیک پیگیری می‌کنند.

با توجه به حمایت‌های شهرداری تهران از «جوزانی» کمتر کسی فکر می‌کرد که او روزی به راحتی صندلی خود در عمارت فیشرآباد از دست دهد. «جوزانی» این روزها در سفر حج به سر می‌برد و دسترسی به وی برای کسب اطلاعات بیشتر میسر نشد. به نظر می‌رسد تغییر و تحولاتی در این سطح مدیریتی خانه هنرمندان ایران کم‌کم باعث خواهد شد این مرکز فرهنگی، استقلال صنفی خود را از دست دهد.

رویداد

فتح دوباره حراج بونامز لندن از سوی ایرانی‌ها و هندی‌ها

«فرهاد مشیری» پیکاسوی هند را غافلگیر کرد

پرویز براتی

گروه تجسمی: موسسه حراج بونامز در حالی حراج لندن خود را اول ژوئن (۱۱ خرداد) در نیو باند استریت این شهر برپا کرد که فرهاد مشیری هنرمند مطرح ایرانی با ثبت رقم فروش ۱۳۰ هزار دلاری بعد از فروش ۲۷۵ هزار دلاری هنرمند ۹۵ ساله هندی، در رتبه دوم ایستاد.

این حراج مختص آثار مدرن و معاصر خاورمیانه و جنوب آسیا بود که در آن ۸۲ اثر از هنرمندان هند، پاکستان، مصر، سریلانکا، عراق، بنگلادش، لبنان و... به معرض نمایش و فروش گذاشته شد. در این میان آثار ۱۰ هنرمند نقاش، مجسمه‌ساز و عکاس ایرانی هم ارایه شد. نکته مهم این حراج آن بود که فرهاد مشیری بالاترین رقم فروش را در میان هنرمندان ایرانی کسب کرد. گرانترین اثر به فروش رفته متعلق به مقبول فیداحسین، هنرمند هندی بود که به رقم ۲۷۵هزار دلار به فروش رسید.

رکورد دوم این حراج هم توسط همین هنرمند ثبت شد و رکورد سوم فروش توسط فرهاد مشیری با اثری از مجموعه «کوزه‌ها» با مبلغ ۱۳۰ هزار دلار به دست آمد. این تابلوی بدون عنوان که با تکنیک ترکیب مواد روی بوم اجرا شده و تاریخ ۲۰۰۳ روی آن به چشم می‌خورد ۱۶۰ در ۱۲۰ سانتی‌متر اندازه دارد. «کوزه‌ها»، مجموعه مهم و نسبتا قدیمی از آثار مشیری هستند که در آنها رابطه بین سنت و مدرنیته در ایران امروز به تصویر کشیده شده است. مشیری در این مجموعه، فضایی سه‌بعدی را در یک سطح دو بعدی و تخت روی بوم می‌آفریند. به گفته خود وی، بوده‌اند مخاطبانی که با مشاهده تصویر این دسته کارها گمان برده‌اند هنرمند کوزه‌ای را به عنوان مواد کارش به کار برده و روی آن رنگ مالیده! در حالی‌که این آثار تنها توهّم یک کوزه را در ذهن ایجاد می‌کنند. روشی که مشیری در این مجموعه آثار به کار می‌گیرد، trompe l'oeil (خطای چشم) نام دارد؛ تکنیکی که با تکیه بر واقع نمایی تصویر، سعی دارد به بیننده تجسم سه بعدی فضا را القا کند. فیدا حسین یکی از مهم‌ترین نقاشان هندی است که جایگاهی چون پیکاسو برای کشورش دارد. این هنرمند بزرگ هندی در دهه ۹۰ به شکلی خودخواسته تن به تبعید داد و در حال حاضر در دوبی زندگی می‌کند. این نقاش ۹۵ ساله هندی روی ابریشم نقاشی می‌کند و جایگاه مهمی در مارکت هنر آسیا دارد. اما اهمیت ثبت رقم ۱۳۰ هزار دلاری مشیری از آن رو است که همواره فروش آثار هنرمندان ایرانی در لندن و پاریس به جهت مرکزیت هنری این دو شهر در کنار نیویورک، همواره از اهمیت خاصی برخوردار بوده است. به عبارت دیگر، فروش‌های بالای صد هزار دلار در این دو شهر از سوی هنرمندان ایرانی، همواره یک موفقیت بزرگ قلمداد شده است.

تردید در قتل «پابلو نرودا»

کشور شیلی تحقیقاتی را درباره علت مرگ پابلو نرودا ـ شاعر معروف برنده نوبل ادبیات ـ آغاز می‌کند. «پابلو نرودا» ۱۲ روز پس از کودتای ۱۹۷۳ در شیلی درگذشت. دستور آغاز این تحقیقات پس از ادعای «مانوئل آرایا» ـ منشی و همراه چندساله «پابلو نرودا» ـ مبنی بر کشته شدن او توسط رژیم «آگوستو پینوشه» صادر شد. «آرایا» که در زمان مرگ «پابلو نرودا» نزد وی بود، ماه گذشته گفت که این شاعر شیلیایی به دلایل امنیتی در درمانگاهی در سانتیاگو بستری شده بود و نه به خاطر حال وخیمش. رژیم جدید قصد داشت او را حذف کند. به گزارش خبرگزاری فرانسه، وی مدعی است که به تزریق یک پزشک در شب آخر به «پابلو نرودا» مشکوک است؛ این در حالی است که موسسه «پابلو نرودا» همچنان اصرار دارد که این شاعر در ۲۳ سپتامبر ۱۹۷۳ بر اثر سرطان پروستات و افسردگی حاصل از سرنگونی دوستش «سالوادور آلنده» به دست «پینوشه»، درگذشته است.

کارتون خواب

علی درخشی

aderakhshi@yahoo.com

زاویه

کاریکاتور مطبوعاتی در ایران

احمدرضا دالوند
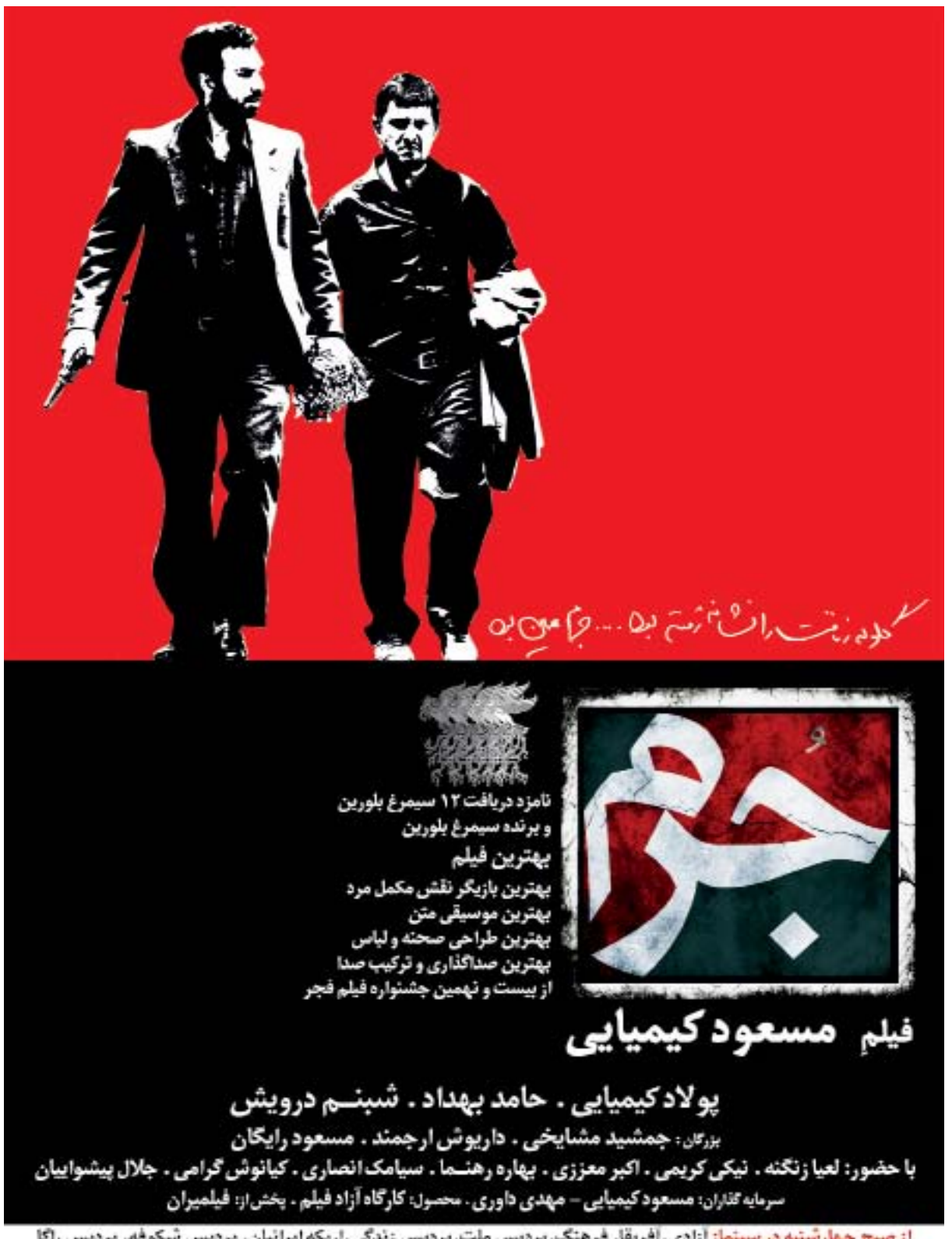
■ تاریخچه کاریکاتور مطبوعاتی در ایران با هفته نامه ملانصرالدین آغاز می‌شود. این نشریه، به طور کامل به طنز مصور و نوشتاری اختصاص داشت. اما پیش از ملانصرالدین، نشریاتی بوده‌اندکه کم و بیش در میان برخی صفحات‌شان از کاریکاتور استفاده می‌کردند. بی‌تردید می‌توان گفت اولین کاریکاتورهای مطبوعاتی در ایران بدون امضا بوده که به دست کاریکاتوریست‌های گمنام در شب‌نامه‌های بی‌نام و نشان طراحی می‌شده است. شب‌نامه‌هایی که بدون مجوز و به صورت مخفیانه در شهرهایی چون: رشت، تبریز، مشهد، شیراز، اصفهان، کرمان و... منتشر می‌شدند. از میان این شب‌نامه‌ها به (نسیم شمال) می‌توان اشاره کرد که به همت سیداشرف‌الدین حسینی در رشت و تهران منتشر می‌شد. رابینو که یک محقق اروپایی است و روزنامه‌های ایران را از آغاز تا سال ۱۳۲۹هـ‌ق معرفی کرده است، می‌گوید: روزنامه ادب، نخستین روزنامه ایرانی است که از کاریکاتور استفاده می‌کرده است. این روزنامه در تهران، تبریز و مشهد منتشر می‌شده است. اما در دوران انتشار ملانصرالدین، کاریکاتوریست‌هایی همچون: روتر، شیلینگ، عظیم‌زاده، سیدعلی بهزاد، خلیل موسایف، ابراهیم‌زاده، حسین علی‌یف، اسماعیل آخوندوف، غضنفر خالق‌اف، امید حاجی‌اف، یوسف وزیر و... همکاری می‌کردند. نشریاتی نیز به زبان‌های انگلیسی، فرانسه و گاه فارسی در خارج از کشور منتشر می‌شد که از کاریکاتور استفاده می‌کردند، از جمله نشریه شاهسون که در سال ۱۳۰۶ هـ. ق در استانبول منتشر می‌شد. روزنامه‌های رسمی در داخل کشور نیز کم و بیش از کاریکاتور بهره می‌گرفتند، از این میان روزنامه‌های ادب و طلوع مصور را می‌توان نام برد. روزنامه طلوع مصور در سال ۱۳۱۸ هـ. ق به مدیریت عبدالمجید ثقفی در بوشهر منتشر می‌شد.